

موجود را حفظ کند.

اگر نیروهای مسلح در برابر خودی مقاومت نکردند، وقتی میهن مورد تجاوز خارجی واقع شد، از جان و دل در حفظ آن کوشیدند و از هیچ فداکاری روی نگردانیدند. به نظر من، اوضاع ایران در موقع انقلاب طوری بود که باید خود مردم نتایج سهل‌انگاری‌ها، بی‌شخصیتی‌ها،

ولنگاری‌های خود را به چشم ببینند و اگر با خشونت و خون‌ریزی جلوی آن‌ها گرفته می‌شد، عواقب بسیار بدتری را ممکن بود که روبه‌رو شویم.

در مورد نقایص تقسیم فرماندهی نیروهای مسلح، بسیار گفته و نوشته‌ام و به عرض شاهنشاه شادروان هم رسانیده‌ام که غیر از آن چه شد، نمی‌توانست بشود. به

یاد دارم که شادروان ارتشبد حجازی که در آن موقع رییس ستاد بزرگ ارتشتاران بود، با ایراد به خود من که خیلی کارها را بدون کسب اجازه می‌کردم می‌گفت: «این کار از نکردن عیب نمی‌کند.» به علاوه در سال‌های تحصیل در ایران خوانده بودم که «الوجود یفقر والاقدام قتال»، این شده بود سرمشق ما! ■

رویداد شوم و عبرت‌انگیز شهریور ۱۳۲۰

سرلشکر ناصر فرید

رییس ستاد ارتش پس از انقلاب

□ مقدمه

در آغاز جنگ جهانی دوم کشور ایران بی‌طرفی خود را با جهانیان اعلام داشت. روند مزبور مراودات و روابط حسنه را با آلمان نازی میسر ساخت با این‌که این امکان وجود داشت که انگلستان سرزمین ایران را صحنه‌ی عملیات خود کند.

۱- سیاست تهاجمی علیه ایران

با حمله‌ی ناگهانی آلمان نازی به کشور اتحاد جماهیر شوروی، دولت انگلستان اعلام کرد که مهیا برای هرگونه کمک به آن کشور می‌باشد. مسأله‌ی مهم آن بود که دول متفق از چه طریق پشتیبانی خود را ارسال دارند و با این‌که معابر دیگری بدین منظور وجود داشت ولی فلات ایران، مسیر مناسب‌تری که ظرفیت حمل و وسایل مورد لزوم را داشت، در نظر گرفته شد و در اواسط تابستان سال ۱۳۲۰ شمسی دولتین شوروی و انگلستان با تسلیم یادداشت‌هایی به حکومت ایران، خواستار شدند که از ایران به منظور یک راه ترانزیتی استفاده شود و افراد ستون پنجم آلمان اخراج گردند. این تقاضا بلافاصله مورد مخالفت دولت رضاشاه قرار گرفت و دو کشور مزبور، به منظور برآورده شدن خواسته و تحمیل اراده‌شان، شروع به ارباب و تهدید علیه ایران کردند. در آن شرایط شایع بود که هیچ‌یک از آگاهان جرأت ندارند که اهمیت واقعه را به شخص اول مملکت گزارش دهند، ولی در ۳۰ مرداد ۱۳۲۰، شاه ناگهان در جشن فارغ‌التحصیلی دانشکده‌ی افسری اظهار داشت: «بنابر اهمیت و موقعیت حساس، فارغ‌التحصیلان باید از تعطیلات معمول سالیانه صرف‌نظر کنند و هرچه سریع‌تر به محل‌های مأموریت اعزام گردند.»

هم‌زمان با اعزام قوای کمکی به مرزهای شمالی و غربی، استنباط شد که دولت از احتمال تجاوز به کشور آگاه است.

۲- آفند به مرزهای ایران

در ساعت چهار صبح روز سوم شهریور ۱۳۲۰، نمایندگان سفارت انگلیس و روسیه‌ی شوروی به منزل نخست‌وزیر وقت (علی منصور) مراجعه کردند و یادداشت دول متبوع خود را دادند که با یأس دولت‌های ملل متفق از موافقت با درخواست آنان، دولت‌های انگلیس و شوروی مجبور شده‌اند قوای خود را وارد خاک ایران کنند و در همان ساعات نیروهای شوروی با سه ستون مرزهای شمالی به سوی جلفا، آستارا و استان خراسان و نیز قوای انگلستان حمله به مرزهای غرب را آغاز کرده بودند. متأسفانه مقاومت ارتش ایران به عللی که ذکر آن در حوصله‌ی این یادداشت نیست، در مقابل تجاوز قوای دو کشور بسیار ناچیز بود و به زودی پنج استان شمالی و استان‌هایی در غرب و جنوب کشور به اشغال نیروهای انگلستان و شوروی درآمد و تهران به‌عنوان منطقه‌ی بی‌طرف وسیله‌ی آنان احاطه گردید.

۳- دگرگونی - استعفا - تبعید

دو روز بعد از اشغال ایران به دستور شاه، مرحوم محمدعلی فروغی یکی از رجال فرهیخته و خانه‌نشین قبلی، نخست‌وزیری دوران بحرآن را پذیرفت و بلافاصله اعلام داشت که: ارتش ایران از هرگونه مقاومت خودداری ورزد و مبادله‌ی یادداشت‌ها بین طرفین آغاز گردید، از جمله از طرف متفقین اعلام شد که کلیه‌ی اتباع آلمان نازی به استثنای مأمورین رسمی به قوای انتظامی متفقین تحویل گردد. رضاشاه، هم‌زمان با تبلیغات و تهدیدات، مجبور به استعفا و خروج از کشور شد و تا آخر عمر در تبعید به سر برد. ■